

نقش و جایگاه شورای عالی فضای مجازی در نظام جمهوری اسلامی ایران

حسن ییلاقی اشرفی^۱، حسین ییلاقی اشرفی^۲

۱- کارشناس حقوق، دانشگاه پیام نور مرکز بهشهر (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت رسانه، دانشگاه باقرالعلوم (ع)

چکیده

گسترش فزاینده فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی به ویژه شبکه‌ی جهانی اینترنت و آثار چشمگیر آن در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، و لزوم سرمایه‌گذاری وسیع و هدفمند در جهت بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های ناشی از آن در جهت پیشرفت همه جانبه کشور و ارائه خدمات گسترده و مفید به اقشار گوناگون مردم و همچنین ضرورت برنامه‌ریزی و هماهنگی مستمر به منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از آن، لازمه‌ی شکل‌گیری یک نهاد مستقل و مؤثر به منظور سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی‌های راهبردی در فضای مجازی کشور را بیش از پیش نمایان کرد. بر این اساس در اسفند ماه سال ۱۳۹۰، رهبر معظم انقلاب اسلامی در حکمی تشکیل این نهاد ضروری را با تعیین خط مشی کلی، به ویژه تشکیل مرکز ملی فضای مجازی، و دستور به ایجاد رویه و راهکارهای بومی و خردمندانه به منظور مواجهه فعال با مسائل مرتبط با این حوزه از جهات مختلف را ابلاغ نمودند. پر واضح است که منویات ایشان با تکیه بر تحقیق، استدلال و مشورت‌های لازمه با افراد صاحب فکر و حلقه حاذق مشاوران صورت می‌پذیرد؛ از این رو ما نیز در این مقاله سعی بر آن داریم تا ضرورت شکل‌گیری این شورا از جهات دیگر را بررسی و نقش آن در سیاست‌های کلی نظام را مورد بحث و تحلیل ویژه قرار دهیم.

واژه‌های کلیدی: شورا‌های عالی، فضای مجازی، شورای عالی فضای مجازی، سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، قانون اساسی

۱. مبحث اول: مقدمه

پیدایش فضای مجازی در چند دهه‌ی اخیر یکی از بزرگترین نمادهای تحول جهانی است. رخدادی که تأثیرات شگرف آن هر روز در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دفاعی در عرصه‌ی ملی و بین‌المللی نمود بیشتری پیدا می‌کند. این رخداد که می‌توان آن را به عنوان نمادی از دنیای مدرن در نظر گرفت، توانسته بستری مناسب و پویا برای فعالیت‌های مختلف به ویژه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فراهم آورد و اشخاص، نهادها و سازمان‌ها را روز به روز به سمت استفاده هر چه بیشتر از این بستر ترغیب می‌کند.

فضای مجازی را می‌توان نماد ارتباطات نوین دانست. بستری که می‌تواند باعث ایجاد و رشد فناوری‌های نو و تازه گشته و درک بهتر، متنوع‌تر و حتی ساده‌تری از مسائل مختلف را در اختیارمان قرار دهد. نمادی که توانسته تا عمق زندگی روزمره بشر در عصر حاضر نفوذ کرده و روز به روز سیمای جدیدی از تأثیرات خود در جوامع بشری را نمایان می‌کند و جنبه‌های مختلف حیات و زندگی انسان نظیر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را با چالش‌های جدیدی روبه‌رو خواهد کرد. همچنین، اگرچه چندین دهه از شکل‌گیری فضای مجازی می‌گذرد، اما کماکان اندیشمندان این عرصه را به عنوان یک بستر نوظهور تلقی کرده و سعی در شناخت ابعاد مختلف آن دارند. بستری که می‌توان به مانند فضای حقیقی زندگی بشر، از آن به عنوان یک عرصه‌ی عمومی یاد کرد و در چارچوب‌های مختلف مورد تحلیل قرار داد.

در این میان، اگرچه تاکنون ساختار صحیح و کاملی در چارچوب‌های مختلف این حوزه شکل نگرفته است و اغلب مسایل با دیدگاه نسبی مطرح می‌شوند، اما دولت‌ها، کشورها و نظام‌های مختلف فکری سعی بر آن دارند تا به طرق گوناگون به آن وارد شده و با استفاده از سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای متفاوت، علاوه بر ورود بهتر و صحیح‌تر به این فضا، بتوانند به صورت قوی و جامع از آن بهره‌گیری کرده و خود را در آن زنده نگاه دارند. فارغ از این موضوع، از آن‌جا که عرصه فضای مجازی، یکی از عرصه‌های عمومی تلقی می‌شود و نادیده گرفتن آن از سوی دولت‌ها منجر به تضییع حقوق مشترک انسان‌ها می‌شود، دولت‌ها موظف به سیاست‌گذاری، اجرا و ارزیابی در این خصوص هستند و بسیاری از آن‌ها نهاد یا نهادهایی را برای انجام این وظایف تأسیس نموده‌اند. (انصاری، الوندنژاد، ۱۳۹۹، صفحه ۲۸۲)

۲. مبحث دوم: ضرورت وجود یک نهاد مسؤول

پیشرفت چشمگیر فناوری اطلاعات در چند دهه اخیر و آثار، نتایج و پیامدهای به وجود آمده با پیدایش آن، دولت‌ها را ناگزیر از ورود به این عرصه کرده و اکثر این دولت‌ها و جوامع سعی بر تبیین و تأسیس نهادهایی به منظور کنترل و ارزیابی دنیای فناوری اطلاعات و ارتباطات نموده‌اند. علاوه بر این، حساسیت و سرعت تأثیرگذاری این پدیده و شکل‌گیری فضای مجازی سبب شده که دولت‌ها با ابزارهای مختلفی سعی در کنترل، هدایت و بهره‌گیری از چنین عرصه فراگیری داشته باشند.

بعضی از کشورها، برای فضای مجازی و تنظیم مقررات این حوزه، نهادهای مشخص و مرکزی تأسیس نموده‌اند و برخی دیگر، فضای مجازی را هم عرض با سایر پدیده‌های مورد مطالعه حقوق و سیاست در دنیای معاصر دانسته و قوانین و مقررات مربوط به آن را در لایه‌لای سایر رویه‌ها و قوانین موضوعه خود جای داده‌اند که هر کدام می‌توانند دارای مزایا و معایب مخصوص به خود باشند و به عنوان روش‌های تجربه شده، در رفع نواقص موجود در نهاد تنظیم مقررات فضای مجازی ایران، مورد استفاده یا عبرت قرار گیرند. (انصاری، الوندنژاد، ۱۳۹۹، صفحه ۲۸۲)

به علاوه، باید گفت علیرغم آن که این حوزه شباهت بسیاری به جوامع و فضای حقیقی دارد، اما از لحاظ فرهنگی تنها می‌توان فضای مجازی را یک بازنمایی از دنیای واقعی دانست که بشر علیرغم آگاهی‌ها و تجربیات چندین هزار ساله در فضای حقیقی، به منزله انسان‌های اولیه، از جهات مختلف نیازمند شناخت و کسب تجربیات بیشتر بوده و به منظور همزیستی بدون آسیب و همراه با سازش، نیازمند وضع قوانین و مقررات برای آن می‌باشند. قوانینی که برای استفاده بهتر از فضای مجازی و با

تأسی از شرایط و ملزومات دنیای حقیقی وضع شده و به عنوان یک چارچوب برای ورود و استفاده صحیح افراد از فضای مجازی مورد استفاده و بهره‌برداری واقع شود.

بنابراین، با توجه به این موضوع که فعالیت و ایفای نقش انسان‌ها در هر جامعه با بهره‌گیری از ارزش‌ها و هنجارهای آن جامعه صورت می‌پذیرد و این هنجارها برگرفته از باورها و اعتقادات آن جامعه می‌باشد، لزوم تشکیل یک نهاد بومی، باتجربه و آگاه به این حقایق، به منظور تهیه و تبیین قوانین و سیاست‌های کلی، و همچنین نظارت و سرپرستی فضای مجازی در هر جامعه، امری شایسته و ضروری می‌باشد. امری که اگرچه در اکثر جوامع مورد بی‌توجهی و دست کم قرار گرفته، اما با مرور زمان دولت‌ها و کشورهای مختلف بیش از پیش لزوم هدایت و بهره‌گیری بهتر از فضای مجازی را احساس کرده و تصمیم به راه اندازی نهادی به منظور سازماندهی و هدایت هرچه بهتر این فضا در جامعه خود گرفته و می‌گیرند.

۳. مبحث سوم: چرا شورای عالی

پیدایش بر اساس اصل پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت مطلق از آن خداست و خداوند انسان را حاکم سرنوشت اجتماعی خویش می‌داند. بر همین اساس و تکیه بر نظریه ولایت مطلق فقیه در زمان غیبت امام عصر (عج)، حکومت جمهوری اسلامی با تکیه بر خواست و آراء مطلق ملت ایران شکل گرفت و با تدوین قانون اساسی و تأیید آن توسط آن‌ها، این حق خداداد توسط این ملت - از طریقی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است - اعمال می‌شود. همچنین، اگرچه بر اساس همین قانون، رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است،^۱ اما وظیفه نظارت بر اساس اصولی که در قانون ذکر شده بر عهده ایشان - به عنوان ولی امر و امام امت اسلامی - می‌باشد.^۲

در سال ۲۳ خرداد ماه ۱۳۵۷، حضرت امام خمینی (ره) در حکمی تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی را دستور فرموده و در این حکم، ایشان خواستار دعوت از اساتید برجسته به منظور تشکیل شورایی به منظور برنامه ریزی و تعیین خط مشی فرهنگی آینده‌ی دانشگاه‌ها براساس فرهنگ اسلامی از اعضای منتخب شدند؛ تا مسائل را به صورت مستقل، تخصصی و بدون حاشیه، بررسی و اجرایی نمایند. ایشان در سال‌های بعد، در احکامی اعضای دیگری را به این شورا افزودند. در یکی از این احکام، ایشان از عبارت «شورای عالی انقلاب فرهنگی» برای یاد کردن از این ستاد استفاده نمودند.^۳ از آن زمان، عنوان این ستاد به این نام تغییر یافت؛ اما بدیهی است که این امر براساس ماهیت شورایی بودن این نهاد و نهادهای هم‌تراز آن بوده و استفاده حضرت امام خمینی (ره) از این واژه در حکم صادره، به نوعی به منظور تکمیل ساختار ماهیتی این نهاد و اطلاق یکی از خطوط مشی کلی آن بوده است.

همانطور که گفته شد، این شورا و شوراهای متشکل شده‌ی بعد از آن در ساختار جمهوری اسلامی ایران، به مانند تمامی قوا و بخش‌های نظام، براساس قانون اساسی، زیر نظر مستقیم ولایت مطلقه‌ی امر فعالیت می‌کنند. بر همین اساس، اصول پنجاه و ششم الی شصت و یکم این قانون، شرایط حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن که متشکل از قوای سه‌گانه می‌باشد را ذکر نموده و فعالیت آن‌ها و دیگر فعالیت‌ها را تنها در ذیل نظارت رهبری برمی‌شمرد. اعمال و مصوبات قوه مقننه - به عنوان یکی از این قوای سه‌گانه - از طریق مجلس شورای اسلامی که از نمایندگان منتخب مردم شکل گرفته، بررسی و مصوب شده و پس از طی مراحل مندرج در قانون اساسی، به قوای دیگر ابلاغ می‌شود. مصوبات این قوه خود بخشی از قوانین مملکتی از تشکیل داده و در ساختار مدیریتی نظام جمهوری اسلامی ایران نقشی اساسی ایفا می‌کنند. اگرچه نمی‌توان این مصوبات را در مقابل یا

^۱ اصل یکصد و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^۲ اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^۳ پیام به اعضای ستاد انقلاب فرهنگی (انتصاب اعضای جدید) - ۱۹ آذر ۱۳۶۳ (۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۰۵)

مقایسه مصوبات شوراهای عالی قرارداد، اما می‌توان شوراهای و جایگاه، اهداف و وظایف آن‌ها را برگرفته از همین مصوبات در مجلس شورای اسلامی که منتخب مردم می‌باشند در نظر گرفت. ارزش مصوبات شورای عالی «در حکم قانون» است و در هرم حقوقی جمهوری اسلامی ایران ذیل مصوبات مجلس (قوانین عادی) است و ضمانت اجرای لازم را دارد. (امیرحسین و کیلی، ۱۳۹۳، صفحه ۷) مصوباتی در حکم قانون، برگرفته از شورایی که خود متشکل از قوانین عادی مصوب شده توسط منتخبین ملت به شمار می‌آید.

لذا، فضای مجازی که خود یک ساختار پیچیده و مبهم به شمار آمده و مسائل و موضوعات مرتبط با آن، نیازمند دقت نظر، تخصص و بدون حاشیه می‌باشد، می‌طلبد تا از یک شورای عالی به عنوان یک نهاد بالادستی و فراقوه‌ای به منظور طرح ریزی، سیاست گذاری، چارچوب بندی و هدایت آن به دور از بوروکراسی‌های موجود در کشور بهره‌مند شد تا علاوه بر دقت نظر بیش‌تر و بهتر، مصوبات آن نیز حکم قانون داشته باشند.

۴. مبحث چهارم: نقش شورای عالی فضای مجازی

پس از تشکیل شورای عالی فضای مجازی به دستور رهبر معظم انقلاب در اسفند ماه سال ۱۳۹۰، یکی از مهم‌ترین مباحثی که همواره از دیدگاه کارشناسان مورد توجه و نقد و بررسی قرار می‌گرفت و به عنوان اولین نکته در حکم شهریور ماه سال ۱۳۹۴ ایشان نیز به چشم می‌خورد، موازی بودن برخی نهادها و در نتیجه همپوشانی دستورالعمل‌ها و موضوعاتی بوده که علاوه بر شورای عالی فضای مجازی، همراستا با چند شورای عالی دیگر مطرح و مورد بحث واقع می‌شد. شوراهایی که هرکدام در یک برهه زمانی و بنا به ضرورت‌های خاص و پیوسته با آن‌ها توسط نهادهای مختلف راه اندازی شده و تاحدودی نیز توانسته بودند نقش مهمی را در سرپرستی، قانون‌گذاری، مدیریت و ارائه راهکار در مسائل مربوط به حوزه تخصصی خود ایفا کنند، اما با گذشت زمان و تغییر شرایط جامعه و گستره و ماهیت فضای مجازی و همچنین گسترده‌تر شدن ضریب نفوذ آن در جامعه و سؤالات و مشکلات مرتبط با آن‌ها، خلع وجود یک نهاد کارشناسی و جامع بالادستی که بتواند به صورت یکپارچه و قوی تمامی مسائل مرتبط با این حوزه و موضوعات وابسته با آن را تحت پوشش خود قرار داده و هرکدام از موضوعات و مسائل مختص به شوراهای پیشین را به صورت کمیسیون‌های تخصصی در خود جای دهد، به طور فزاینده و بیش از پیش احساس می‌شد. شوراهای مذکور از قرار ذیل بوده‌اند:

۱. **شورای عالی انفورماتیک:** از سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی، شورای انقلاب که به عنوان یک نهاد قانون‌گذار و اجرایی و به دستور امام خمینی (ره) راه‌اندازی شده بود، ضرورت وجود یک نهاد تخصصی بالادستی به منظور رصد، تنظیم و مدیریت مسائل مرتبط به حوزه فناوری اطلاعات و انفورماتیک را احساس و در تیر ماه ۱۳۵۹ آن را به تصویب رسانید. هدف اولیه تشکیل این شورا این بود که بتواند از طریق تنظیم سیاست‌های لازم به امور انفورماتیک کشور سر و سامان بدهد و از اتلاف منابع ملی جلوگیری کند. هدف نهایی آن نیز استقرار یک نظام انفورماتیک سالم در کشور جهت حرکت به سوی خودکفایی در این زمینه بود.

۲. **شورای عالی اطلاع‌رسانی:** پس از گذشت دو دهه از این موضوع، شورای عالی انقلاب فرهنگی به منظور سیاست‌گذاری در امر اطلاع‌رسانی و هدایت شبکه‌ها و مراکز اطلاعاتی و هماهنگی فعالیت آن‌ها و تدوین برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت در زمینه تحقیقات بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی اطلاع‌رسانی در قالب نظام اطلاع‌رسانی جمهوری اسلامی ایران^۴ در اوایل سال ۱۳۷۷ تصمیم به تشکیل و راه‌اندازی نهادی با نام «شورای عالی اطلاع‌رسانی» گرفت. این شورا که قرار بود با بررسی وضعیت موجود کشور در این حوزه، سیاست‌گذاری‌های مربوطه را با توجه کامل به مصالح دینی، علمی، فرهنگی و اخلاقی نظام در چارچوب سیاست‌های کلی نظام صورت دهد، نتوانست نقش

^۴ ماده ۱ آیین نامه شورای عالی اطلاع‌رسانی، مصوب ۸ اردیبهشت ماه ۱۳۷۷ | شماره مصوبه: ۱۰۵۵

مهمی در حیطه تعریف شده‌ی خود ایفا کند و همانند بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای متشکله، در بوروکراسی‌های اداری کشور غرق شد.

۳. **شورای عالی فناوری اطلاعات:** این شورا بر اساس ماده ۴ قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصوب ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی، و به منظور سیاستگذاری و تدوین راهبردهای ملی در قلمروی فناوری اطلاعات، تدوین برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت برای توسعه پژوهش‌های کاربردی در قلمروی فناوری اطلاعات و همچنین گسترش کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور و برنامه توسعه بخش‌های مختلف تشکیل شد. اساسنامه این شورا براساس تکلیفی که در ماده ۴ قانون مذکور به آن اشاره شده در تاریخ ۱۳۸۳/۶/۱۴ به تصویب هیأت وزیران رسید. همچنین بر طبق همین ماده قانونی، تصمیمات شورا با رعایت سیاست‌های ملی نظام در چارچوب قوانین و مقررات، پس از تأیید ریاست محترم جمهور توسط وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات ابلاغ می‌گردد و مسئولیت و نظارت بر حسن اجرای آن برعهده وزیر بوده است. (اظهارنظر کارشناسی درباره «طرح ادغام شورای عالی فناوری اطلاعات در شورای عالی فضای مجازی و حذف ماده (۴) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۲۲ مهر ۱۳۹۳)

۴. **شورای عالی امنیت فضای تبادل اطلاعات (افتا):** شورای عالی امنیت فضای تبادل اطلاعات که به اختصار «افتا» نامیده می‌شد، نام دیگر مرکز مدیریت راهبردی افتای ریاست جمهوری بود که در اسفند ماه سال ۱۳۸۲ با مجوز ریاست محترم جمهور دولت هشتم، به منظور ایفای نقش حاکمیت در تأمین امنیت حوزه فناوری اطلاعات و حفظ زیرساخت‌های حیاتی کشور در مقابل حملات الکترونیکی و با هدف امن‌سازی زیرساخت‌های دستگاه‌های حیاتی و به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های سازمان فناوری اطلاعات ایران راه‌اندازی شد و سند راهبردی آن در سال ۱۳۸۴ تدوین و به تصویب هیأت وزیران رسید.

این شوراها که از سال‌های ابتدایی به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی در کشور راه‌اندازی و در چرخه‌ی مدیریتی فعالیت داشته‌اند، هرکدام توانسته بودند تأثیرات نسبتاً مهمی را در حوزه فعالیت خود ایفا و تاحدودی مؤثر واقع شوند، اما با گذر زمان ضرورت مدیریت یکپارچه مسائل مرتبط به عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات و فضای مجازی و همچنین لزوم اجرای حداکثری و نفوذ بالای سیاست‌های مربوط به حوزه جزو مهم‌ترین مطالب و معضلات این حیطه به شمار آمده، که منجر به صدور حکم تشکیل شورای عالی فضای مجازی به عنوان یک نهاد فراقوه‌ای از سوی امام خامنه‌ای گردید. بنابراین و براساس حکم تأسیس شورای عالی فضای مجازی، با هدف متمرکز شدن کلیه فعالیت‌های عرصه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در این حوزه و اجتناب از موازی کاری، این شورا تبدیل به نقطه قانونی سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای مجازی کشور گردید. در همین راستا و با استناد به عبارت «لازم است به کلیه مصوبات آن ترتیب اثر قانونی داده شود» که در حکم صادره از جانب رهبری دیده می‌شود، می‌توان اذعان داشت که این شورا با تکیه بر قوانین جمهوری اسلامی ایران، به صورت انحصاری و ویژه، وظیفه سیاست‌گذاری - و نه قانون‌گذاری - در کشور را برعهده دارد؛ چرا که کلمه «قانون» براساس ماهیت و تعریفش مرزهای مشخصی را طی می‌کند اما سیاست یا خط‌مشی کلی‌تر بوده و علاوه بر تطابق با قانون، نحوه اجرای آن را مشخص خواهند نمود.

۵. مبحث پنجم: جایگاه شورای عالی فضای مجازی

پیدایش و شناسایی جایگاه شورای عالی فضای مجازی در نظام حقوقی ایران به عنوان یکی از نهادهای بالادستی از اهمیت و ارزش خاصی برخوردار است؛ چرا که این جایگاه رابطه مستقیمی با تأثیرات و آثار ناشی از مصوبات و فعالیت‌های آن شورا داشته و خواهد داشت. بنابراین شناخت و درک صحیح از جایگاه شورای عالی فضای مجازی می‌تواند جنس وظایف و مسیر و راهبردهای آن را نمایان کند.

با بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، درخواستیم یافت که در این قانون دو دسته اختیارات متمایز برای رهبری تعریف شده است؛ دسته اول اختیاراتی که براساس اصولی نظیر اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی به عنوان ولایت مطلقه امر و امام امت بر عهده ایشان سپرده شده که می‌توان آن‌را اختیارات اجرایی نامید، و دسته دوم اختیاراتی که براساس قوانینی نظیر بندهای هفتم و هشتم اصل یکصد و دهم قانون بر دوش ایشان قرار گرفته و می‌توان آن‌ها را موازنه‌گر نامید.

اختیارات موازنه‌گر به اختیاراتی گفته می‌شود که درصدد ایجاد تعادل بین قوا (نظیر حل اختلاف بین قوا از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام) یا حل بن‌بست‌های سیاسی (اختیار ناشی از بند هشتم اصل یکصد و دهم برای حل معضلاتی که از طرق عادی قابل حل نیستند یا آنچه به حکم حکومتی شهره شده است) یا پاسخگویی به ناکارآمدی مردم‌سالاری (نظیر انتخاب رئیس قوه قضائیه یا فقهای شورای نگهبان) هستند. (منصوری بروجنی، ۱۳۹۴) این اختیارات که ناشی از شأن و جایگاه رهبری نظام محسوب شده و جنبه فصل‌الخطاب نسبت به اختلافات و حل مسائل را دارند و معمولاً مصالح موقت را در نظر می‌گیرند را به اختصار رسانه‌ها «حکم حکومتی» نیز می‌نامند. اما اختیارات اجرایی اختیاراتی هستند که قانون به صورت کامل به عهده ایشان سپرده و براساس اصل یکصد و سیزدهم که حدود اختیارات ریاست جمهور به عنوان عالی‌ترین مقام کشور پس از ایشان را مشخص می‌کند، ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود را به رئیس جمهور سپرده است. این اصل بیانگر این است که از نظر قانون اساسی، رهبری نسبت به تمامی امور اجرایی و نسبت به قوه مجریه دارای ریاست است. اگرچه در طی این سالیان رهبری در قریب به اتفاق موارد اجرایی وارد نشده و علاوه بر آن، براساس قسمت آخر اصل یکصد و دهم، بسیاری از مسائل اجرایی مرتبط با خود را به منتخب ملت سپرده است، اما باید گفت که برخی از اختیارات مندرج در اصل یکصد و دهم قانون نظیر امضای حکم ریاست جمهوری یا تعیین سیاست‌های کلی نظام به عنوان وظایف رهبری، ذاتاً جزو امور اجرایی می‌باشند. بنابراین باید گفت، این ناشی از زمینه سیالی است که قانون اساسی برای تقسیم اختیارات اجرایی بین رئیس‌جمهوری و رهبری تدارک دیده است. رئیس‌جمهوری تنها مقامی است که در مقابل مقام معظم رهبری مسئول خوانده شده است. این تعبیر در قانون اساسی راجع به هیچ یک از دیگر روسای قوا نیامده است. علاوه بر این در مقدمه قانون اساسی رهبری ضامن اسلامیت سازمان‌ها خوانده شده است. این روح قانون اساسی است که رهبری را نسبت به بعضی از امور حائز اهمیت قوه مجریه صاحب اختیار می‌کند. (منصوری بروجنی، ۱۳۹۴)

بر همین اساس و همچنین بر اساس عرف اساسی حاکم در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، رهبری به عنوان «عالی‌ترین مقام رسمی کشور» دارای اختیارات اجرایی بوده و قادر است نهادهایی را ذیل قوه مجریه تأسیس، و چارچوب کلی آن‌ها را ایجاد و ابلاغ نماید. بدیهی است که در این راستا، نهادهای تعریف شده برای کسب اعتبار و جایگاه حقوقی و اقتصادی نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی می‌باشند.

پس می‌توان گفت که شورای عالی فضای مجازی که خود ماحصل اختیارات اجرایی رهبری بوده، و طبق قانون ریاست آن نیز برعهده ریاست جمهوری می‌باشد، تحت سرپرستی قوه مجریه به عنوان یکی از قوای حاکم در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مشغول فعالیت است؛ و دامنه فعالیت آن به عنوان یکی از نهادهای زیرمجموعه قوه مجریه، بسیار گسترده‌تر از سیاست‌گذاری خواهد بود. البته در این میان باید گفت یکی از دلایلی اصلی که این نهاد با نام شورای عالی - نه نام‌هایی نظیر وزارت و سازمان - نام‌گذاری شده است، فراقوه‌ای بودن آن می‌باشد؛ چرا که، اگر چه رئیس قوه مجریه ریاست این نهاد را برعهده دارد، اما به علت اهمیت موضوع و جایگاه خاص این نهاد، رئیس قوه مجریه و رؤسای قوای دیگر، فرمانده سپاه، ریاست سازمان صدا و سیما و دیگر نهادهای تشکیل دهنده ساختار رسمی کشور، با تکیه بر اصل استقلال قوا و همچنین تعادل میان آن‌ها، موظفند نقطه کانونی متمرکزی برای سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری، اجرا و هماهنگی در رابطه با فضای مجازی و مسائل مربوطه و ضرورت برنامه‌ریزی و هماهنگی مستمر به منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از آن در کشور، ایجاد نمایند.

درنتیجه، با توجه به فلسفه تشریع اصل استقلال قوا که عبارت است از تعادل میان قوای حاکمه در یک نظام حقوقی؛ حضور مقامات قوه مقننه و قضائیه نه تنها مغایر این اصل و قانون اساسی نیست بلکه موافق فلسفه این اصل و از لوازم اجرای آن به شمار می‌رود. (منصوری بروجنی، ۱۳۹۴) به علاوه، با تکیه بر بند اول اصل یکصد و دهم قانون اساسی که تعیین سیاست‌های

کلی نظام را در چارچوب و حیطه اختیارات رهبری در نظر گرفته است، طبعاً سیاست‌گذاری‌های شورای عالی فضای مجازی در ابواب تحت صلاحیت آن، در چارچوب سیاست‌های کلان ابلاغی از سوی رهبری خواهد بود؛ چرا که برخورداری شورا و مصوبات آن از جایگاهی برتر و والاتر نسبت به تصمیمات و اقدامات نهادهای دیگر امری کاملاً مشروع و منبعث از اختیارات حکومتی ولی فقیه است که خود برگرفته از روح و اصول قانون اساسی بوده و به هیچ عنوان منافی صلاحیت‌های سایر قوا نخواهد بود. بر این مبنا و با استناد به حضور روسای قوای سه‌گانه در ترکیب اصلی این شورا، همه نهادهای دولتی و غیردولتی اعم از قوای سه‌گانه و سایر نهادها، در انجام تکالیف خود موظف به رعایت سیاست‌گذاری‌ها و مصوبات شورای عالی فضای مجازی هستند و در صورت تعارض، مصوبات شورا مقدم بوده و ارجحیت خواهد داشت. (طهماسبی، ۱۳۹۷، صفحه ۸)

۶. نتیجه‌گیری

فضای مجازی به ابزاری مهم برای زندگی روزمره اجتماعی تبدیل گشته که هم به ساختار و روابط روزمره اجتماعی پیوسته و هم در آن‌ها گنجانده شده است. این مکان مملو از تصاویر و نشانه‌های فرهنگی است که تصورات و تجربیات ما را از آن نشان می‌دهد. فضای مجازی مکانی است که ما آن را هم به عنوان فضای مفهومی و هم به عنوان فضای استعاری تجربه می‌کنیم. (کارتر، ۲۰۲۰، صفحه ۱۴۴) مکانی که هرچند کارا، اما به مانند اکثر اکتشافات و اختراعات همواره مخاطراتی را نیز با خود به همراه دارد و تمام دوره‌های زندگی انسان - از کودک تا میان‌سال و مسن - را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد.

فضای مجازی و ابزارهای ارتباط و استفاده از آن را می‌بایست از دو جهت مورد بررسی قرار داد. از یک طرف شرایط و چگونگی استفاده از فضای مجازی و ابزارهای مرتبط با آن در خانه یا محل کار، و از جهتی دیگر مسائل موجود در آن و نحوه مواجهه و مقابله با آن‌ها و تأثیرات مرتبط به آن. همچنین، بررسی‌ها و تدابیر مربوط به نحوه استفاده و مسائل و موضوعات مرتبط و متأثر از آن در جوامع مختلف نیازمند شکل‌گیری رویکردهایی هرچند هم‌راستا، اما در برخی موارد گوناگون و متفاوتی می‌باشد که لزوم تحلیل، تفکر و بحث پیرامون آن در جوامع کوچک و بزرگ را پررنگ‌تر و جدی‌تر می‌کند. در کشور ما نیز به مانند اکثر جوامع متمدن، به منظور فرهنگ‌سازی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و در برخی موارد حتی مقابله با موضوعات پیوسته به حوزه ارتباطات، فناوری اطلاعات و علی‌الخصوص فضای مجازی، سازمان‌ها و نهادهای متعددی تشکیل و پدیدار شدند، اما رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۹۰ دستور ایجاد یک نهاد کارشناسی و تخصصی را صادر و در سال ۱۳۹۴ براساس یک منطق کارشناسی شده به منظور تحکیم جایگاه فراقوه‌ای و موقعیت محوری و کانونی شورای عالی فضای مجازی، دستور انحلال نهادهای موازی با این شورا و در نتیجه یکپارچه‌سازی مدیریت کلان این حوزه در کشور را ابلاغ فرمودند.

این دستورات که با آگاهی از خلع وجود یک نهاد بالادستی در حوزه فضای مجازی و با توجه به محدودیت‌های تشکیل نهادی جدید از طریق بستر عادی تقنین، از جانب عالی‌ترین مقام اجرایی کشور صادر گردیده، توانسته با بهره بردن از مسئولان عالی نظام جمهوری اسلامی در خود، یک نهاد خاص و تأثیرگذار فراقوه‌ای و بالادستی را ایجاد نموده و با برپاسازی یک مرکز تخصصی در این حوزه، بسیاری از گزاره‌ها، مباحث و مسائل کشور در این حیطه را تحت پوشش خود درآورد.

به علاوه، مصوبات و احکام شورای عالی فضای مجازی به عنوان نقطه کانونی سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای مجازی در کشور، مؤید و بیانگر سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلی نظام در این حوزه بوده و با استناد به نحوه تشکیل این شورا و حضور رؤسای قوای سه‌گانه در ترکیب اصلی آن، همه نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی همانند قوای مذکور، در انجام و پیاده‌سازی قوانین و تکالیف خود موظف به رعایت سیاست‌گذاری‌ها و مصوبات شورای عالی فضای مجازی به بهترین وجه می‌باشند.

منابع و مراجع

۱. باقر انصاری، ر. الوندنژاد (۱۳۹۹)، "ماهیت و جایگاه نهاد تنظیم مقررات در حوزه فضای مجازی در ایران"، نشریه آموزه‌های حقوقی گواه، سال ششم، شماره ۱، ۲۸۱-۳۱۴
۲. امیرحسین وکیلی (۱۳۹۳)، "بررسی جایگاه، ساختار و صلاحیت شورای عالی فضای مجازی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران
۳. محمد منصوری بروجنی (۱۳۹۴)، "جایگاه مصوبات شورا کجاست؟"، ماهنامه پیوست، دوره جدید، شماره ۲۳
۴. محمدحسن طهماسبی (۱۳۹۷)، "جایگاه شوراهای عالی در نظام حقوقی ایران"، سومین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت و حقوق، ۲۱ تیر ۱۳۹۷
۵. Denise M Carter (2020), "Cyberspace and Cyberculture", International Encyclopedia of Human Geography, 2nd edition, Volume 3, pp 143-147